

القای مفاهیم دینی به کودکان در قالب بازی‌های نمایشی

زهرا امیری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴

چکیده

یکی از جدی‌ترین و پراهمیت‌ترین شکل بازی‌ها در دوران کودکی، بازی‌های نمایشی است. تقلید از رفتار بزرگ‌سالان در قالب بازی، محرک و انگیزه‌ای مناسب برای کودکان در جهت کسب تجارب اجتماعی در آینده است. در خلال بازی‌های نمایشی، تخیل، حافظه، عزت‌نفس، مهارت و خلاقیت‌های کودکان قابل پرورش است. هدف از این پژوهش، تبیین نقش والدین در جهت‌دهی دینی به بازی‌های نمایشی و معرفی و جایگاه این بازی در سیره کودکی اهل بیت (علیهم‌السلام) است. بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که امامان معصوم (علیهم‌السلام) از این شیوه به‌عنوان پایدارترین و خوشایندترین نوع یادگیری در تربیت دینی و اخلاقی کودکان استفاده نموده‌اند. این پژوهش به روش اسنادی و با شیوه تحلیلی-توصیفی انجام گرفته است. یافته‌ها نشان داد در قالب بازی‌های نمایشی می‌توان مفاهیم دینی بسیاری را به کودکان منتقل کرد؛ خداپرستی، عزت‌نفس، فن سخنوری، بخشش، احترام به والدین، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و مبارزه با هوای نفس، نمونه‌های بارز مفاهیمی هستند که در خلال بازی‌های نمایشی به کودکان منتقل می‌شوند. کلیدواژگان: القاء، بازی نمایشی، بازی تقلیدی، تربیت کودک، مفاهیم دینی.

^۱ دانش پژوه سطح دو حوزه علمیه بنت الرسول (س) شهرستان سلسله Zamiri2020@yahoo.com

مقدمه

بازی یکی از نیازهای اساسی و فطری کودک است که بی توجهی به آن خسارات روحی و روانی بسیاری برای کودک به بار خواهد آورد. همه‌ی انسان‌ها اعم از کوچک و بزرگ، حتی انبیا و اولیا در دوران کودکی تمایل به بازی داشته و کم‌وبیش به آن می‌پرداختند. این مسئله حاکی از آن است که بازی از مهم‌ترین نیازهای طبیعی انسان محسوب می‌شود.

کودکان، بسیاری از مفاهیم دینی و اصول ارزشمند اخلاقی و اجتماعی را هنگام بازی می‌آموزند؛ لذا این‌گونه موارد و مفاهیم انتزاعی را می‌توان در قالب بازی‌های نمایشی به کودک آموزش داد. بازی‌های نمایشی علاوه بر خلق اوقات خوش، فرصت‌های مناسبی برای رشد فکری و عاطفی و پرورش صفات پسندیده در کودکان فراهم می‌سازد. همچنین بازی نمایشی روش خوبی برای روبرو شدن با وضعیت‌هایی است که کودک از آن‌ها می‌ترسد. به‌عنوان مثال، وانمود کردن به دندان‌درد و مراجعه به دندان‌پزشکی، می‌تواند باعث شود چیزهای واقعی کمتر ترسناک باشد.

استقبال والدین از بازی‌های نمایشی و همبازی شدن آن‌ها با کودک، از نظر روحی و روانی در او تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد و به‌نوعی اعلام محبت و علاقه به کودک است و به او می‌فهماند که والدین حاضرند که برای او وقت بگذارند؛ اما بسیاری از والدین، صرفاً این بازی را ابزاری برای سرگرمی و تخلیه هیجانی کودک تلقی می‌کنند و نسبت به اثرات آن بر رشد و سازندگی شخصیت کودک بی‌توجه‌اند. بی‌توجه بودن نسبت به اثرات سازنده‌ی این بازی در این برهه حساس از زندگی کودکان، موجب روی آوردن به شیوه‌های آموزشی دستوری و تحکم‌گویی والدین می‌شود. تجربه‌ها نشان می‌دهد آموزش مفاهیم دینی به کودکان به شیوه مستقیم نه‌تنها مؤثر نیست، بلکه در بسیاری از موارد، کسل‌کننده و آسیب‌زاست. طبق روایات، اگر کودک در هفت سال نخست زندگی از نظر بازی و سرگرمی

محدودیت نداشته باشد و به اندازه کافی بازی کند، در آینده برنامه‌های تربیتی خانواده برایش مفید واقع می‌شود (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۳۶۷: ج ۳، ص ۴۹۲).

اهمیت استفاده از بازی‌های نمایشی در تسریع بلوغ فکری و اجتماعی کودک تا حدی است که پیشوایان اسلام، بسیاری از ایده‌های تربیتی خود را با استفاده از همین روش اعمال نموده‌اند.

از آنجایی که در اکثر متون دینی و تاریخی اسلام، بازی‌های دوران کودکی اهل بیت (علیهم‌السلام) به عنوان یک ابزار مهم تربیتی، مورد توجه جدی مورخان و روایان احادیث قرار نگرفته است، بخش اعظمی از سیره کودکی اهل بیت (علیهم‌السلام) در طول تاریخ مغفول مانده است. با توجه به پیشرفت تکنولوژی در عصر حاضر و محتوا سازی رسانه‌های غربی برای به انحراف کشیدن کودکان، لازم است برای دریافت سیره کودکی اهل بیت (علیهم‌السلام) و ایده‌های تربیتی ایشان اهتمام بیشتری صورت بگیرد. بر همین اساس لزوم افزایش پژوهش‌ها برای پرداختن کیفی به موضوع بازی‌های نمایشی در سیره کودکی اهل بیت (علیهم‌السلام) بیش از گذشته احساس می‌شود.

اکثر پژوهش‌های این حوزه توسط پژوهشگران علوم دینی و تربیتی، باهدف بیان نقش انواع بازی در رشد جسمی و معنوی کودک انجام گرفته است، اما در خصوص القای مفاهیم دینی به کودک در قالب بازی‌های نمایشی که موضوع تحقیق این نوشتار است، آثار پژوهشی اندکی به بازار دانش عرضه شده است.

برخی از پژوهش‌های نزدیک به این نوشتار به اثرات مثبت و سازنده بازی‌های نمایشی در تربیت انسان از منظر روانشناسی پرداخته‌اند و اهداف کلی تربیت فردریک مایر از جنبه‌های مختلف فردی و اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ مانند مقاله «اهداف تربیت در بازی‌های نمایشی» (باقری و رایانی مخصوص، ۱۳۹۷)؛ نتایج مقاله مذکور نشان داده است، بازی‌های نمایشی دارای اهدافی روشن در تربیت هستند و با شکل جذاب و منحصر به فردی

که دارند، می‌توانند در قالب یک برنامه آموزشی هدفمند در آموزش و پرورش کشور استفاده شوند.

برخی دیگر از پژوهش‌ها به میزان اثربخشی بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی کودکان پرداخته‌اند؛ مانند مقاله «اثربخشی بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر اصفهان» (افلاکی فرد و نائینی داورانی، ۱۳۹۶)؛ نتایج پژوهش حاضر نشان داده است که بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد و موجب رشد اجتماعی آنان می‌شود.

برخی دیگر از پژوهش‌ها مانند مقاله «جایگاه و نقش بازی در تربیت دینی کودکان» (کشانی و نوروزی، ۱۳۹۴)؛ ویژگی‌ها و ضوابط مختلف بازی‌ها را برای دستیابی به تربیت دینی و اجتماعی کودکان مورد بررسی قرار داده و پس از تحلیل کلی بر محتوای انواع بازی در منابع دینی، استنباطی کلی بر رابطه نقش بازی در تربیت دینی داشته و گزاره‌های آن را استخراج نموده‌اند؛ یافته‌های به‌دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که بازی‌های ساده کودکان به دلیل ویژگی‌هایی چون تشویق شدن از سوی والدین، موجب تسریع رشد آموزش در کودکان می‌شود و بازی‌های فطری چون آب‌بازی و خاک‌بازی به خاطر ویژگی‌هایی چون رقابت جمعی به رشد اجتماعی کودکان کمک می‌کند و نیز بازی‌های کلامی کودک به دلیل عدم ایجاد محدودیت زمانی و مکانی به تعالی عقلانی و رشد فردی کودک می‌انجامد. پژوهش‌های مشابه دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که به بررسی جایگاه و ضوابط بازی در تربیت دینی کودکان پرداخته‌اند، مانند مقاله «نقش بازی در تربیت دینی کودکان» (جوهری و سیفی، ۱۳۹۸)؛ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که والدین با مدیریت بازی‌های کودکان، زمینه را برای علاقه‌مندی کودک به دین‌داری به شکلی عمیق و ماندگار فراهم می‌سازند.

برخی پژوهش‌ها نیز به بررسی نقش بازی‌های فردی و دسته‌جمعی در تربیت جسمانی و عقلانی کودکان پرداخته‌اند؛ مانند مقاله «بررسی نقش بازی در تربیت کودک از

دیدگاه قرآن و سنت معصومین» (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰)؛ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از منظر قرآن و سنت معصومین، بازی در تربیت جسمانی، عقلانی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی کودک تأثیر بسزایی دارد و موجب ورزیده شدن عضلات، سهولت در انجام فرایض دینی، استقامت در برابر ترس‌ها و اضطراب‌های روانی، عدم سلطه‌پذیری، نوع دوستی و توانایی ارتباط با دیگران می‌شود.

از مهم‌ترین ویژگی پژوهش‌های اخیر پرداختن به جایگاه انواع بازی‌ها در سیره روایی و عملی اهل بیت (علیهم‌السلام) است. باین حال یکی از نقاط ضعفی که در این پژوهش‌ها مشهود است، استناد به برخی منابع غیر معتبر و ضعیف همچون مرکز مطالعات اسلامی استرامبورگ فرانسه، مغز متفکر جهان شیعه، ترجمه ذ.ا. منصوری است.

آنچه این پژوهش را از آثار مشابه متمایز می‌کند، تمرکز محقق به جایگاه بازی‌های نمایشی در سیره کودکی اهل بیت (علیهم‌السلام) است. نگاهی هرچند سطحی به کج‌روی‌ها و انحرافات نوجوانان و جوانان در جامعه که ناشی از روش‌های غلط تربیتی در دوران کودکی است، نگارنده را بر آن داشت که در این مقاله به القای آموزش مفاهیم دینی به کودک در قالب بازی‌های نمایشی بپردازد.

این مقاله که محور بحث آن به معرفی و جایگاه بازی‌های نمایشی در سیره رفتاری اهل بیت (علیهم‌السلام) محدود شده است، در صدد است به این سؤال پاسخ دهد که استفاده از بازی‌های نمایشی در سنین کودکی، چه اثرات سازنده‌ای بر تکامل روحی و شخصیت معنوی کودک دارد؟

محقق برای پاسخ به این مسئله، ابتدا به مفهوم شناسی و تعریفی از بازی‌های نمایشی کودکان خواهد پرداخت، سپس نقش والدین در جهت‌دهی دینی به بازی‌های نمایشی را تشریح نموده و در پایان، جایگاه بازی‌های نمایشی در سیره رفتاری اهل بیت (علیهم‌السلام) را تبیین نموده و گزیده‌هایی از بازی‌های نمایشی در سیره کودکی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) را معرفی خواهد کرد.

نتایج این پژوهش می‌تواند رویکرد جدیدی را در باب تنظیم برنامه‌های تربیتی، فراروی محققین و پژوهشگران و فعالان فرهنگی قرار دهد.

مفهوم بازی نمایشی

بازی: غالب لغت شناسان کلمه «بازی» را به معنای فعالیت جسمی یا ذهنی برای سرگرمی یا تفریح، فعالیت ورزشی، قمار اجرای نقش در یک نمایش یا فیلم، مجازاً کار بیهوده و فریب و نیرنگ می‌دانند. راغب کلمه بازی را مترادف با واژه عربی لعب می‌داند و می‌گوید: لعب به معنی بازی از ریشه لعاب که همان بزاق و آب دهان است گرفته شده و فعل آن - لعبٌ یلعبُ لعباً - است؛ یعنی بزاق دهانش جاری شد اما «لعب فلان» با کسره حرف «عین» زمانی است که کسی کاری را بدون قصد و هدف و مقصد صحیحی انجام دهد، مضارعش «یلعب» و مصدرش «لعباً» است. در آیات قرآن آمده است: «زندگی دنیا اگر بدون هدفی متعال برگزار شود، صرفاً بازیچه و کار بیهوده‌ای بیش نیست» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ ق: ص ۷۴۱).

با توجه به این معانی، تعاریفی که از کلمه بازی به دست می‌آید این است که: «بازی» فعالیت ذهنی یا ورزشی است که به قصد لذت و تفریح انجام شود و فایده‌ای نداشته باشد، یا اجرای نقش در فیلم و تئاتر و بروز دادن رفتارهایی غیرواقع از خود است که باهدف فریب دادن دیگران صورت می‌گیرد و یا یک نوع فعالیت ورزشی و مسابقه ذهنی است که در آن پولی برده یا باخت می‌شود که این معنای سوم برای بازی‌های کودکان به کار نمی‌رود (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۹۱: ذیل کلمه بازی).

از نظر نگارنده، یک جنبه از تعریف «سرگرم ساختن بیهوده» قابل قبول نیست؛ زیرا این تعریف بیشتر همگام با نظراتی است که بازی را بدون هدف می‌شناسند و منظور از آن را گذران وقت می‌دانند، نه عامل تربیت و رشد قوای ذهنی، اجتماعی، معنوی و جسمی و این در حالی است که هر کودک متناسب با ذات خود، هدفی را - خواه کوچک و خواه بزرگ - دنبال می‌کند.

این مطلب با رجوع به سیره کودکی اهل بیت (علیهم السلام) قابل اثبات است، زیرا هر کدام از امامان معصوم (علیهم السلام) در بازی‌های کودکانه خود اهداف بزرگی را دنبال کرده‌اند و بیهودگی در بازی‌هایشان راه نداشته است. به عنوان مثال در کتاب اصول کافی نقل شده است؛ امام صادق (علیه السلام) فرزند خردسال خود موسی (علیه السلام) را در حالی که سر بزغاله‌اش را گرفته بود و به سمت زمین می‌کشاند و می‌گفت: خدایت را سجده کن در آغوش گرفت و فرمود: پدر و مادرم به فدایت که بیهودگی و لهو و لعب در بازی‌هایت راه ندارد (کلینی، داستان‌های اصول کافی، ۱۳۷۸: ص ۲۲۱). همچنین یک جنبه دیگر از تعریف «نیرنگ و فریفتن» به طور کامل در مورد بازی‌های کودکان صدق نمی‌کند؛ زیرا به طور معمول کودکان در حین بازی علاوه بر تفریح و سرگرمی چیزی را تجربه می‌کنند و یاد می‌گیرند. این تعریف بیشتر در مورد مفهوم مجازی بازی کاربرد دارد و نه معنای حقیقی آن. به طور مثال در مواقعی که فردی قول به انجام کاری داده است اما بنا به دلایلی از انجام دادن آن کار طفره می‌رود، اصطلاحاً می‌گویند که شما را بازی می‌دهد و مراد از بازی دادن در این جمله فریفتن یا سرگرم ساختن است (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۹۱: ذیل کلمه بازی).

به هر حال می‌توان گفت بازی یک فعالیت لذت‌بخش، خصوصاً در دوران کودکی است که در عین پر کردن اوقات فراغت مسرت‌بخش، سبب رشد سایر جنبه‌های کودک نظیر رشد جسمی، روانی، حرکتی، عاطفی، اجتماعی و ... می‌گردد و کودکان در ضمن این فعالیت‌ها اهدافی ولو کوچک و انتزاعی را دنبال می‌کنند و ثمره آن، نوعی آمادگی در کودک برای فعالیت‌هایی است که باید در آینده به عهده بگیرد.

نمایش: نمایش در لغت به معنای تئاتر و چیزی را به تماشا گذاشتن است (معین، فرهنگ معین، بی تا: ذیل کلمه نمایش). بر این اساس بازی‌های نمایشی به آن دسته از بازی‌هایی گفته می‌شود که کودکان در آن با تقلید از رفتارهایی که مشاهده کرده‌اند، صحنه‌هایی از زندگی را به صورت فردی یا جمعی بازنمایی و تجربه می‌کنند.

در این مقاله به بازی‌های نمایشی که کودکان خردسال در سال‌های نخست زندگی خود به صورت فطری و با تقلید از رفتارهایی که پس از مشاهده از خود بروز می‌دهند، پرداخته می‌شود؛ بنابراین اجرای بازی در فیلم یا تئاتر که در مکان‌های عمومی و با حضور شرکت‌کنندگان زیاد اجرا می‌شود از فهرست بازی‌هایی که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود خارج است.

بازی‌های نمایشی کودکان

خداوند نخستین دوره یادگیری و رشد انسان را با بازی توأم نموده است تا در ضمن بازی و سرگرمی بتواند کارهای بزرگ‌ترها را تقلید کند و ضمن ابراز احساسات خود، بیاموزد که چگونه عواطف و علایق خود را در مواقع گوناگون ابراز یا مهار کند (انصاری، احکام و حقوق کودکان در اسلام، ۱۳۹۲: ص ۵۰۶).

کودکان در ضمن تقلید رفتار بزرگسالان، سعی دارند با پوشیدن لباس‌ها و استفاده از وسایل آن‌ها بازی خود را واقعی‌تر نشان دهند. آن دسته از رفتارهای کودک که همانند پدر یا مادر بر روی مبل تکیه می‌دهد و قلم به دست می‌گیرد و عینک بر چشم می‌گذارد و با دقت مشغول مطالعه می‌شود یا زمانی که تلفن همراه پدر یا مادر را به گوش خود می‌چسباند و در حین مکالمه با مخاطب خیالی، در اتاق قدم می‌زند، نشان از بازی‌های نمایشی دارد که در آن نه تنها کودک نقش بزرگسالان را تقلید می‌کند، بلکه با استفاده از وسایل بزرگسالان، نقش آن‌ها را به نمایش می‌گذارد. اگرچه بازی‌های نمایشی خود نوعی از بازی تقلیدی است اما نکته‌ی ظریف اینجاست که در بازی تقلیدی، کودک سعی به تقلید نقش دارد، در حالی که در بازی نمایشی، کودک علاوه بر تقلید نقش، انتظار خود از آن نقش را نیز بیان می‌دارد. به‌طور مثال اگر کودک پدر یا مادری سخت‌گیر و مستبد داشته باشد کودک هم در بازی تقلیدی خود، همان رفتار سخت‌گیرانه و مستبدانه را تقلید می‌کند، اما در بازی نمایشی انتظار خود از محبت و همدردی والدین با فرزندان را منعکس می‌کند. در هر دو این بازی‌ها _ تقلیدی و نمایشی _ کودک تلاش می‌کند به اشیاء موردنظر در اطراف خود

دست یابد و با آن‌ها سرگرم بازی شود، اما بسیاری از اوقات اعمال محدودیت‌های والدین مانع دستیابی کودک به ابزار و وسایلی است که در بازی به آن نیاز دارد (عبدی، راهکارهای شکوفایی خلاقیت، ۱۳۹۵: ص ۱۵۵).

به‌طور مثال: آشپزی و استفاده از وسایل موجود در آشپزخانه مانند اجاق‌گاز، کبریت، چاقو و نیز راندن موتور و اتومبیل، پرواز با هواپیما و دست‌کاری اشیای برقی دور از دسترس کودک هستند، اما کودک برای ارضای حس کنجکاوی خود تمایل به آشنایی با آن‌ها و در نتیجه تماس و استفاده از آن‌ها را دارد. در اینجا کودک (در صورتی که به اسباب‌بازی‌های پیشرفته دسترسی نداشته باشد) برای حل مشکل خود، تکه‌ای چوب برمی‌دارد و سوار بر آن می‌شود و به جست‌وجوی مشغول می‌شود، یا بر روی صندلی می‌نشیند و با دست‌های خالی، فرمان خیالی ماشین را به هر جهت که بخواهد می‌چرخاند. برای ترمز گرفتن پای خود را به پایه‌ی صندلی فشار می‌دهد و با تقلید صدای بوق ماشین، عابران پیاده و خیالی را متوجه خطر تصادف با ماشین می‌کند، یا اینکه رزمنده می‌شود و با تکه‌ای چوب صدای رگبار مسلسل را تقلید می‌کند و به سمت دشمنان خیالی شلیک می‌کند و با به نمایش گذاشتن صحنه‌های مهیج، نشان می‌دهد چگونه دشمنان را تار و مار می‌کند (همان).

بر اساس مطالبی که گفته شد، بازی‌های نمایشی کودکان به آن دسته از بازی‌هایی اطلاق می‌شود که کودکان به تقلید از رفتار انسان، اشیاء و موجودات دیگر، نقشی را خلق می‌کنند و با ایفای نقش شخصیت‌هایی خیالی که به عهده گرفته‌اند، به خود و دیگران وانمود می‌کنند که شخصیت یا چیز متفاوتی هستند.

نقش والدین در جهت‌دهی دینی به بازی‌های کودکان

«مهم‌ترین اصلی که در پرورش صحیح کودک باید مراعات شود، هم آهنگی برنامه‌های تربیت با قوانین طبیعت است. پدران و مادران موظف‌اند در راه پرورش کودک پایه‌های قوانین فطرت بروند و طفل را بر آن اساس تربیت نمایند. مثلاً غذای مناسب با طبع کودک قبل از روئیدن دندان‌ها و پس از روئیدن، متفاوت است. لازم است مربی در طرز

تغذیه و مواد غذایی کودک از قانون خلقت پیروی کند و برنامه‌ی غذایی طفل را با موازین طبیعی و تکامل تدریجی وی منطبق نماید. عشق و علاقه به بازی از خواہش‌های فطری طفل است، مربی باید روش تربیتی خود را با این خواسته‌ی طبیعی هم آهنگ نماید و بازی‌های سالم و بی‌خطری را در برنامه‌ی تربیت کودک قرار دهد.» (فلسفی، گفتار فلسفی، ۱۳۴۲: ص ۳۶۴). برای این اساس برنامه‌های تربیتی باید به شیوه غیرمستقیم و متناسب با درک و فهم کودکان و در قالب بازی و سرگرمی ارائه گردد تا موجب خستگی و دلزدگی در کودکان نشود. چنانچه این برنامه‌ها در قالب بازی و سرگرمی و متناسب با طبع کودکان پیاده گردد، باعث جذب آن‌ها به آموزه‌های دینی می‌شود، علاوه بر آن رشد جسمی و بلوغ فکری و شادابی روان آن‌ها نیز اشباع می‌شود.

طبق دستورات دینی، والدین نقش مدیر و کارگردان صحنه بازی کودکان را بر عهده دارند. آن‌ها می‌توانند صحنه‌ها و دیالوگ‌ها و داستان‌های بازی را به گونه‌ای تنظیم نمایند تا زمینه‌های آشنایی با تعالیم دینی در کودک فراهم شود و از سوی دیگر با نظارت و هدفمند نمودن بازی‌ها، از کشیده شدن آن به جهت‌های ناسالم و یا کم‌ترجیح جلوگیری نمایند. به عبارتی والدین در بازی‌های نمایشی کودکان دو نقش محوری دارند: نخست حضور و مشارکت در بازی‌های کودکان و دیگری جهت دادن به سوی ارزش‌های دینی و فرهنگی (ساجدی و کوشا، روش‌های تربیت اجتماعی در خانواده و شاخص‌های آن، ۱۳۹۴: ص ۱۰۰). از طرف دیگر والدین باید توجه کنند که برنامه‌ریزی‌های آن‌ها فقط منحصر به کودکان نیست، بلکه این برنامه‌ها باید شامل حال خود و سایر افراد خانواده نیز بشود، زیرا تمامی حرکات و نوع رفتار آن‌ها مورد توجه کودکان قرار دارد و در بازی‌هایشان منعکس می‌شود (بهشتی، اسلام و بازی کودکان، ۱۳۹۱: ص ۱۳۷). بنابراین لازم است صحنه‌ها و مسموعاتی که از راه گوش و چشم وارد مغز کودک می‌شود، شدیداً تحت نظارت و مراقبت والدین قرار بگیرد، چراکه یک سخن زشت و یک منظره‌ی منحرف‌کننده کافی است که در ذهن و افکار کودک، اثرات نامطلوبی به‌جا بگذارد و کودک با منعکس نمودن آن رفتار

ناپسند در بازی‌هایش، در مسیر نادرستی قرار بگیرد و ناخواسته حوادث ناگواری بیافریند که این حوادث گاهی لطمات جبران‌ناپذیری برای او و خانواده به همراه دارد (فلسفی، گفتار فلسفی، ۱۳۴۲: ص ۷).

طبق تحقیقات انجام گرفته، کودک هر مفهومی را که مطابق میل خود و از طریق بازی می‌آموزد، بهتر به حافظه‌ی خود می‌سپارد و آن مفهوم به‌مرور زمان ریشه‌ای در وجود کودک می‌دواند که تا آخر عمر آن ریشه در حد توانش رشد خواهد نمود (بی‌نام، تأثیرات تربیتی محرم بر کودکان، ۱۳۹۸).

برای نمونه والدین می‌توانند برای القای مفهوم این حدیث که «هیچ چیز مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد، پس نماز بگذار و بینی شیطان را به خاک بمال» (طبرسی، الاحتجاج، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۶۰۵) نمایشی را اجرا کنند که در آن یک نفر از اعضای خانواده، نقش شیطان را بازی کند و از فاصله دوری، کودک را که تصمیم به وضو گرفتن دارد زیر نظر بگیرد و تلاش کند او را از انجام این کار منصرف نماید. کودک هم سعی می‌کند از طریق استقامت با او وارد مبارزه شود و بدون توجه به وعده‌های او به ادامه وضو پردازد. زمانی که کودک صورتش را می‌شوید، شیطان از ناحیه‌ای نامرئی سیلی می‌خورد و با پیشرفت مراحل وضو، شیطان ناتوان و قامتش کوتاه‌تر می‌شود. هم‌زمان با مسح سر و پاها توسط کودک، شیطان در اعضای خود احساس ضربه می‌کند و از روی عجز و ناتوانی فریادی سر می‌دهد. در همین هنگام کودک او را به تمسخر گرفته و او را شیطان ضعیف خطاب می‌کند. در هر مرحله‌ای که کودک به نماز نزدیک‌تر می‌شود، شیطان هم ضعیف‌تر می‌شود و هنگامی که کودک به نماز می‌ایستد و تکبیرة الاحرام را می‌گوید، شیطان نفس‌های آخرش را می‌کشد و بی‌هوش بر زمین می‌افتد. بهتر است در این بازی حالت نمایشی رعایت شود و کسی که نقش شیطان را بازی می‌کند لباس و چهره‌ی خود را با نقش خود هماهنگ کند (آیتی، فرودگاه فرشتگان، ۱۳۹۶: ص ۲۱۳).

بر این اساس والدین می‌توانند با ابتکار و خلاقیت خود، بازی‌های کودکان را هدفمند سازند و علاوه بر ایجاد صمیمیت، لحظات نشاط‌بخش و خاطره‌انگیزی برای فرزندانشان بیافرینند و بسیاری از مفاهیم دینی و انتزاعی همچون یکتاپرستی، عبودیت، مبارزه با هوای نفس و ... را در قالب بازی‌های نمایشی و به شکلی جذاب و پایدار به کودکان القاء کنند و به رفتار و باورهای درونی آنان رنگ و بوی الهی ببخشند.

جایگاه بازی‌های نمایشی در سیره رفتاری اهل بیت (علیهم‌السلام)

پیشوایان گرامی اسلام، ایده‌های تربیتی خود را در قالب بازی با کودکان، اعمال و پیاده نموده‌اند و افزون بر خلق اوقات تفریحی و نشاط‌انگیز برای کودکان، آن‌ها را با بهترین صفات پسندیده پرورش داده‌اند. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه و آله) با توجه به نقش بازی در تربیت کودک، چنین توصیه می‌فرمایند: «من کان عنده صبیٌ فلیتصاب له (ابن‌بابویه، من‌لایحضره‌الفقیه، ۱۳۶۳: ج ۳، ص ۴۸۲)؛ هر کس در نزدش کودکی است، باید کودکانه رفتار کند. رفتار کودکانه چیزی جز نشاط بخشیدن و همدلی با کودکان و خود را به صورت کودک درآوردن و سهم گرفتن در بازی‌هایشان نیست. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) هنگامی که حسنین (علیهما‌السلام) را بر دوش خود سوار می‌کردند می‌فرمودند: «شتر شما چه خوب شتری است و شما چه خوب سوارکارانی هستید و حال آنکه پدرتان از شما بهتر است» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ص ۲۸۶). فراز (و پدرتان از شما بهتر است) نکات تربیتی فراوانی دارد، از جمله این که در این فراز، حضرت احترام به بزرگ‌سالان را در ضمن بازی به کودکان منتقل می‌کند. دیگر این که ارزش شخصیتی امام علی (علیه‌السلام) را در قیاس با دیگران یادآور می‌شوند و امام حسن و امام حسین (علیهما‌السلام) را متوجه می‌سازند که فرزندان چه شخصیت‌های باعظمتی هستند و فرزندی چنین بزرگواری چه مسئولیتی را برایشان بار می‌کند. سوم اینکه تعبیر (از شما بهتر) را به کار برده‌اند که از یک سو بیان فضیلت امام علی (علیه‌السلام) بر همه و در همه ساحت‌های شخصیت‌های اجتماعی است و از سوی

دیگر تکریم و احترام به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) است (ساجدی و کوشا، روش‌های تربیت اجتماعی در خانواده و شاخص‌های آن، ۱۳۹۴: ص ۱۰۲).

این سیره رفتاری رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با فرزندان خردسال حضرت زهرا (سلام الله علیها)، نمود آشکار توصیه و دستوری است که خطاب به مسلمانان فرمود: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم» (نوری، مستدرک الوسایل، ۱۴۰۸: ص ۱۶۸)؛ به فرزندان خود احترام بگذارید و با آداب پسندیده با آن‌ها معاشرت کنید.

احترام به کودک، از فرزند یک انسان باشخصیت و با اعتمادبه‌نفس و متکی به اراده خود می‌سازد (فلسفی، گفتار فلسفی، ۱۳۴۲: ص ۱۵). کودکانی که مورد تکریم خانواده قرار گرفته‌اند و عزت‌نفس در آن‌ها پرورش یافته است، همواره در مقابل کسانی که تلاش می‌کنند آن‌ها را تحقیر و یا هویت دینی و فرهنگی را از آنان بگیرند، ایستادگی می‌کنند (فرهادیان، تربیت برتر، ۱۳۸۶: ص ۸۰).

نمود این نکته در این داستان به‌خوبی آشکار می‌شود. نقل شده در روز جمعه‌ای، خلیفه دوم مسلمین روی منبر بود و خطبه می‌خواند. حسین (علیه السلام) که کودک خردسالی بود وارد مسجد شد و به سمت منبر رفت و با صدای بلند به عمر گفت: از منبر پدرم پایین بیا! عمر منقلب شد و پاسخ داد: راست گفתי، این منبر پدر توست نه منبر پدر من! ممکن بود کسانی پیش خود فکر کنند علی (علیه السلام) او را وادار به گفتن این سخن کرده و این ذهنیت و تصور به وجود آمده برای آن حضرت مشکل ساز شود، لذا از میان جمعیت برخاست و با صدای بلند گفت: به خدا قسم، گفته‌ی حسین از ناحیه‌ی من نیست. عمر سخن حضرت را تأیید نمود و گفت: یا بن الحسن! راست می‌گویی! من هرگز تو را در ادعای فرزندت متهم نمی‌کنم، من حسین را می‌شناسم، او با اینکه کودک است شخصیتی ممتاز و اراده‌ای مستقل دارد و این سخن از فکر خود او سرچشمه گرفته است (ابن جوزی، المنتظم فی التاریخ الامم والملوک، ۱۳۸۵: ج ۴، ص ۷۵).

نیز در کتاب سابق‌الذکر از ابو رافع غلام پیر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) روایت می‌کند که گفت: «من با حسین (علیه‌السلام) زمانی که کودک خردسالی بود، طبق قراری که از قبل گذاشته بودیم، سنگ بازی می‌کردم؛ وقتی سنگ من در میان گودالی که هدف بازی بود افتاد، به حسین گفتم: مرا کول کن! و او پاسخ داد: عجب! تو می‌خواهی بر دوش کسی سوار شوی که پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) او را بر پشت خود سوار می‌کرد؟ من هم از این پاسخ به شگفت آمده و رهایش کردم و هنگامی که سنگ حسین (علیه‌السلام) در میان گودال افتاد از من خواست او را بر دوش خود، سوار کنم، اما من پاسخ دادم چون تو، به من سواری ندادی من هم به تو سواری نمی‌دهم! حسین با تعجب از من پرسید: آیا دوست نمی‌داری و راضی نمی‌شوی بدنی را که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) بر پشت خود سوار می‌کرد بر دوش خود سوار کنی؟ من هم تسلیم او می‌شدم و او را بر دوش خود سوار می‌کردم» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۳۷۷: ج ۴۳، ص ۳۳۱).

احترام گذاشتن پیامبر به بازی کودکان در این داستان که در منابع اهل سنت آمده است، نیز نمودار است. نقل شده است که عایشه در اوایل ازدواج با پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) با دوستان خود به عروسک بازی مشغول می‌شد. روزی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) وارد خانه شدند و عایشه از ترس اینکه حضرت ناراحت نشوند، از دوستانش فاصله گرفت و دوستانش سراسیمه صورت‌های خود را از حضرت پوشاندند؛ اما پیامبر با دیدن این صحنه با مهربانی امر کردند که بازی خود را ادامه دهند (حلی، نهج‌الحق و کشف‌الصدق، ۱۳۷۹: ص ۱۶۴).

نکته‌ای که ذکر آن در اینجا لازم است، این است که بازی کودکان فقط به دوران خردسالی محدود نمی‌شود، بلکه ممکن است به اقتضای شرایط روحی و نیازهای کودک تا سنین بلوغ ادامه‌دار باشد؛ بنابراین در این برهه از رشد، نباید آن‌ها را نسبت به تمایلاتشان سرزنش نمود و آن‌ها را از بازی و سرگرمی در دوران نوجوانی و بلوغ منع کرد، بلکه باید برای شغل و بازی و درواقع شخصیت آن‌ها احترام قائل بود.

بازی‌های نمایشی در سیره کودکی اهل بیت (علیهم‌السلام)

بازی‌های رزمی

۱- شترسواری: یکی از محبوب‌ترین بازی‌های دوران کودکی حسنین (علیهما‌السلام) شترسواری بود، علاقه آن‌ها به این بازی به قدری زیاد بود که حتی هنگام نازل شدن جبرئیل بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله)، حسین (علیه‌السلام) درحالی که کودک نوپایی بود، بر پشت پیامبر سوار می‌شد و در همان حال که پیامبر خم می‌شد بر پشت پیامبر به بازی مشغول می‌شد و حل می‌گفت (ابن‌الطاووس، الطرئف، ۱۳۷۴: ص ۳۷۳).

چنین رفتاری را جناب عبدالمطلب نیز با پیامبر گرامی اسلام داشته است. یک‌بار که پیامبر خدا در سنین کودکی گم‌شده بود، مادرش بی‌تابانه در فراقش می‌گریست و زنان بسیاری برای دلداری نزد او جمع شده بودند. عبدالمطلب با شنیدن این خبر برافروخته شده و به جست‌وجو می‌پردازد و چون او را در زیر درختی مشغول چیدن رطب آبدار می‌یابد، بر گردن خود سوارش می‌کند و هفت دور بر گرد کعبه‌ی مقدس طوافش می‌دهد (قمی، کلیات منتهی‌الامال، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۳۱)؛ و نیز انس بن مالک نقل می‌کند: ((پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) برای ادای نماز به مسجد آمد، درحالی که حسن (علیه‌السلام) را در بغل داشت و او را در کنار خود نشانده. وقتی پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) به سجده رفت، سجده طول کشید، من سر از سجده برداشتم، مشاهده کردم که حسن (علیه‌السلام) بر دوش پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) سوار شده است. وقتی نماز تمام شد، مردم از پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) سؤال کردند: این سجده را به قدری طول دادید که هیچ‌گاه چنین نکرده بودید. آیا وحی نازل شده است؟ پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) فرمود: وحی نازل نشده، ولی فرزندم بر دوشم سوار شده بود، نخواستم عجله کنم تا این که خودش از دوشم پایین آید.)) (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ج ۴۲، ص ۲۹۴).

همبازی شدن پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) با کودکان، فقط به حسنین (علیهما‌السلام) محدود نمی‌شد، بلکه بر خوردشان با سایر کودکان هم به گونه‌ای بود که آن‌ها نیز در بازی با

پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای خود محدودیتی نمی دیدند و هر گاه پیامبر را در راه مسجد می دیدند به سوی ایشان می دویدند و دامن حضرت را گرفته و از ایشان می خواستند به آن‌ها سواری دهد، پیامبر نیز آن‌ها را بر پشت خود سوار می کرد و باعث خوشحالی کودکان می شد و زمانی که بازی به طول می انجامید و وقت نماز جماعت به تأخیر می افتاد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اینکه خود را با رضایت خاطر کودکان از دست آن‌ها رها سازد، به بازی نمایشی دیگری که مورد علاقه کودکان بود متوسل می شد و در نهایت با ایفای نقش برده خود را به چند گردو می فروخت و آزاد می شد. پس از آن که گردوها را بین کودکان تقسیم می کرد برای اقامه نماز روانه مسجد می شد (عوفی، جوامع الحکایات ولوامع الروایات، بی تا: ص ۳۰).

۲- کشتی گرفتن: نقل شده است: ابوطالب علاقه زیادی به کشتی گرفتن داشت، از این رو هر بار که فرصتی پیش می آمد، پسران و پسرعموهای خود را به دور هم جمع می کرد و از آن‌ها می خواست به صورت دو نفره باهم کشتی بگیرند؛ در آن بین، پسرش علی (علیه السلام)، با هر کدام از آن‌ها کشتی می گرفت بر او غالب می شد و ابوطالب هر بار با دیدن این منظره به وجد می آمد و با شور خاصی می گفت: علی پیروز شد (ملک احمدی، تاریخ پیامبر و اهل بیت، ۱۳۸۹: ص ۸۰).

روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حالی که حسنین (علیهما السلام) را بر دوش خود سوار کرده بودند، وارد خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) شدند و بلافاصله آن دو را بر روی زمین گذاشتند و از آن‌ها خواستند باهم کشتی بگیرند. آن دو شروع به کشتی گرفتن کردند. در این حال پیامبر (صلی الله علیه و آله) مکرر حسن را تشویق می کردند و می فرمودند: «هی یا حسن!». حضرت زهرا (سلام الله علیها) متعجب شد و سؤال کرد: پدر جان! آیا حسن را تشویق می کنی در حالی که از حسین بزرگ تر است؟ حضرت لبخندی زدند و فرمودند: هم اینک جبرئیل است که می گوید «هی یا حسین». در نتیجه حسین (علیه السلام) بر برادر بزرگش حسن (علیه السلام) پیروز شد و او را بر زمین زد (هلالی، اسرار آل محمد، ۱۴۱۶: ص ۳۹۹).

بازی‌های رزمی علاوه بر بهبود عملکرد ذهنی و تخلیه فشارهای منفی و روانی در کودکان، حس رقابت‌جویی را در کودکان افزایش داده و باعث ایجاد انگیزه در آنها می‌شود. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) با قرار دادن حسنین (علیهماالسلام) در موقعیت مبارزه، ذهن آنها را باز کرده و آنها را وادار به تصمیم‌گیری‌های صحیح می‌کنند و علاوه بر افزایش انگیزه، حس مثبت شجاعت را در آنها پرورش می‌دهند. ایشان از طریق این بازی‌ها، مهارت سوارکاری را در حسنین (علیهماالسلام) ایجاد می‌کردند تا از همان دوران کودکی آمادگی‌های لازم را برای فراگیری فن‌های سوارکاری به دست آورند؛ زیرا جامعه اسلامی و امت شکوهمند الهی نیازمند افرادی نیرومند، سالم و جنگاور است تا در صورت نیاز بتوانند در میدان‌های جنگ حاضر شوند و ضمن دفاع از دین، مانع تعرض دشمنان به سرزمین‌های اسلامی شوند.

بدیهی است اگر جامعه‌ای فن‌های نظامی و آمادگی‌های جسمانی را در بازی‌های کودکانشان بگنجاند و بعد رزمی و نظامی کودکان را در وجود آنها تقویت کند، در آینده از آنان جوانانی سلحشور و نیرومند خواهد ساخت که آوازه‌شان چنان رعب و وحشتی در دل دشمنان می‌افکند که آنان را از مقاصد شوم خود مأیوس و ناکام خواهد گذاشت و آیهی «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰) مصداق عینی پیدا خواهد کرد (مروجی طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۱: ص ۱۲۲).

پیامبر گرامی اسلام به‌خوبی به این امر واقف بودند که دوران کودکی برای تأمین چنین اهدافی بسیار مناسب است. چنین رفتاری را امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) با فرزند خود نیز داشته است. ایشان در جنگ جمل، پرچم را به دست فرزند نوجوانش محمد بن حنفیه می‌دهد و به او می‌فرماید: «اگر کوه‌ها از جا کنده شوند، تو ثابت و استوار باش، دندان‌ها را بر هم بفشار، کاسه‌ی سرت را به خدا عاریت ده، پای بر زمین می‌خکوب کن، به صفوف پایانی لشکر دشمن بنگر، از فراوانی دشمن چشم‌پوش و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است.» (دشتی، نهج‌البلاغه، ۱۳۹۷: ص ۳۷).

قطعاً امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرزند خود را در کودکی به بازی‌های رزمی مشغول کرده و روحیه استقامت، ایثار و شهامت را در وجود او پرورش داده و از او یک رزمنده قوی و جنگاور ساخته و اینک از او می‌خواهد که تجارب و آمادگی‌های قلبی خود را در یک نبرد واقعی به نمایش بگذارد و افتخارآفرینی کند.

۳- شمشیربازی و تیراندازی: یکی از بهترین نوع سرگرمی‌ها در سیره کودکی

اهلبیت (علیهم السلام) شمشیربازی و تیراندازی است که ایشان از دوران کودکی تا اوان جوانی بدان اهتمام داشته‌اند. طبق روایات، امام محمدباقر و فرزندش جعفر صادق (علیهما السلام) در بین عرب و عجم سرآمد تیراندازان بوده‌اند (پاینده، نهج الفصاحه، ۱۳۸۲: ص ۴۴۷). بدون شک منشأ این مهارت شگفت‌انگیز، بازی‌های دوران کودکی ایشان بوده است که با ایفای نقش تیرانداز و شمشیرزن -در بازی‌هایی چون تیله‌بازی و چوب بازی- آمادگی‌های لازم را برای کسب مهارت‌های جدی‌تر در دوران نوجوانی و جوانی به دست آورده‌اند.

بازی‌های علمی_آموزشی

۱- خطبه خوانی‌های امام حسن مجتبی (علیه السلام)

نقل شده است وقتی امام حسن مجتبی (علیه السلام) هفت‌ساله بود، مادرش او را به مسجد می‌فرستاد تا آنچه را که از پیامبر می‌شنود فراگیرد و برای او بازگو نماید. حسن (علیه السلام) هم در مجلس پیامبر (صلی الله علیه و اله) حاضر می‌شد و آیات تازه نازل شده را که پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می‌خواند، فرامی‌گرفت و به خانه برمی‌گشت، سپس روی متکایی قرار می‌گرفت و با سخنرانی شیرین خود، بیانات رسول خدا (صلی الله علیه و اله) و آیات تازه نازل شده را برای مادر بازگو می‌کرد. از این رو هر وقت علی (علیه السلام) به خانه برمی‌گشت، حضرت زهرا (سلام الله علیها) سخنان پیامبر (صلی الله علیه و اله) و آیات تازه نازل شده را برای ایشان بازگو می‌کرد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) با تعجب از ایشان می‌پرسید: آیات تازه نازل شده را چگونه دریافت کرده‌ای؟

پاسخ می‌داد: از پسر حسن شنیدم (ملک احمدی، تاریخ پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۸۹: ص ۱۳۱).

پدر که از هوشیاری فرزند خردسالش به شگفت آمده بود، در یکی از روزها در گوشه‌ای از منزل پنهان شد تا خود نیز شاهد سخنانی فرزندش باشد، در همان حال امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) مانند روزهای گذشته به خانه برگشت و بر روی متکایی قرار گرفت، اما به لکنت زبان دچار شد و نتوانست مانند روزهای گذشته برای مادر سخنانی کند. حضرت صدیقه کبری (سلام‌الله علیها) از این پیشامد متعجب شد و علت را پرسید و حسن پاسخ داد: تعجب نکن مادر جان! گویا شخص بزرگواری مرا زیر نظر دارد و سخنانم را می‌شنود، حضور او مرا شرمگین و از سخن گفتن بازداشته است! در همین حال امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) از مخفیگاه بیرون آمد و کودک خردسالش را در آغوش کشید و بوسید (مجلسی، بحارالانوار، ۱۳۷۷: ج ۴۳، ص ۳۸۳).

در روایتی دیگر از امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) آمده است که روزی امیر مؤمنان (علیه‌السلام) از فرزند خردسالش امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) خواست تا برایش سخنانی کند، اما حسن (علیه‌السلام) عذر آورد و پاسخ داد: پدر جان! از این که نگاهم به چهره شما بیافتد و شما مرا نظاره کنی خجالت می‌کشم!

در همین حال حضرت کنیزان را جمع کرد و به آنان فرمود: بیاید و به سخنانی فرزندم گوش فرا دهید. سپس حضرت درجایی مخفی و از نگاه حسن (علیه‌السلام) پنهان شد. در همین حال حسن (علیه‌السلام) در جمع کنیزان با بیانی شیرین و کودکانه به سخنانی مشغول شد و آنچه را که از رسول خدا (صلی‌الله علیه و اله) فرا گرفته بود، برای کنیزان نقل کرد. در پایان سخنانی امیر مؤمنان (علیه‌السلام) بیرون آمد و با خوشحالی حسن (علیه‌السلام) را در آغوش کشید و بر سرش بوسه زد و فرمود: پدر و مادرم به فدایت حسن! (مروجی طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۱: ص ۸۷).

نکته حائز اهمیتی که در این داستان وجود دارد این است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها) در قالب بازی های نمایشی، اهمیت علم آموزی و جست و جوی معارف دینی را به کودکان خود القاء می کردند و با این شیوه، زمینه پرورش هوش و استعداد کودکان خویش را فراهم می آوردند. علاوه بر آن با رفتار پر از مهر و آمیخته به احترام خود، فن خطابه و استعداد سخنوری را در وجود کودک خردسال خود تعلیم و پرورش می دادند و به گونه ای جذاب، قدرت تفکر و خلاقیت را در وجود او تقویت می کردند و این فرصت را برای کودک خردسال خود فراهم می آوردند تا استعداد خود را بشناسد و برای تقویت آن بکوشد. مأنوس کردن کودک به مسجد و ایجاد رغبت به اقامه نماز جماعت و قرائت قرآن از دیگر نکات برآمده از این روایت است.

۲- تعلیم واجب در قالب بازی نمایشی

در یکی از روایات چنین می خوانیم: حسنین (علیهما السلام) پیرمردی را دیدند که برای نماز وضو می گرفت، اما وضویی غلط و نادرست بود. از آنجایی که آموختن مسائل دین به انسان جاهل واجب است، آن دو تصمیم گرفتند که پیرمرد را تعلیم بدهند، اما اگر مستقیماً به او می گفتند وضویت غلط است، پیرمرد ناراحت می شد و از یادگیری طفره می رفت، به همین خاطر تصمیم گرفتند به طور غیرمستقیم او را آموزش دهند؛ بر همین اساس، نمایشی ترتیب دادند و با یکدیگر به بحث و گفتگو پرداختند، طوری که پیرمرد سخنانشان را بشنود. حسن (علیه السلام) گفت: وضوی تو صحیح نیست، وضوی من درست است و حسین (علیه السلام) می گفت: نه وضوی تو صحیح نیست، وضوی من درست است. بحثشان که بالا گرفت نزد پیرمرد آمدند و از او خواستند که در جایگاه قضاوت بایستد و بین آن دو داوری کند و بگوید کدام یک از آن ها بهتر از دیگری وضو می گیرد. پیرمرد پذیرفت و هر دوی آن ها در مقابل دیدگان پیرمرد وضوی درست و کاملی گرفتند، آنگاه از پیرمرد پرسیدند: وضوی کدام یک از ما صحیح تر و بهتر است؟ پیرمرد که متوجه منظور اصلی حسنین (علیهما السلام) شده بود، با کمال فروتنی پاسخ داد: عزیزان من! وضوی هر دوی شما خوب و

آغوش کشید و فرمود: پدر و مادرم به فدایت که بیهودگی و لهو و لعب در بازی هایت راه ندارد (کلینی، داستان‌های اصول کافی، ۱۳۷۸: ص ۲۲۱).

این رفتار کودک و سخنی که در ضمن بازی با بزغاله از دهانش بیرون آمده حاکی از پرورش صحیح جسم و جان کودک در محیط پاک خانواده و نشان‌دهنده درجه شخصیت روانی کودک است که در هر حالتی به یاد خداست و با ایفای نقش یک انسان موعظه‌گر و مربی، رفتار بزرگ‌سالان در خانواده را تقلید می‌کند.

نتیجه‌گیری

رشد فکری و شخصیتی کودکان از طریق بازی و با تقلید و الگوبرداری از رفتار بزرگ‌سالان شکل می‌گیرد. از مهم‌ترین وظایف والدین در خصوص تربیت دینی کودکان، نظارت و مدیریت بازی‌ها و گنجاندن مفاهیم دینی در بازی‌هاست؛ علاوه بر آن، مراقبت از رفتار و حرکات خود و شرکت در بازی‌های کودکان، در جلب عواطف آن‌ها برای رسیدن به مطلوب موردنظر بی‌تأثیر نیست. در همه‌ی اعصار، جامع‌ترین الگو در زمینهٔ تربیت کودک، پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) هستند. متأسفانه عدم شناخت کافی از شیوه‌های تربیتی پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) موجب شده بسیاری از خانواده‌ها بر اثر ناآگاهی یا عدم اطلاعات کافی در زمینهٔ تربیت دینی کودکان با مشکلاتی مواجه شوند؛ بنابراین برای اتخاذ شیوه صحیح تربیت در خانواده، نیازمند شناخت سیره کودکی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) هستیم. مهم‌ترین یافته‌ای که از پژوهش حاضر به دست آمد، این بود که بازی‌های نمایشی، خلاقیت، عزت‌نفس، شجاعت و روحیه ایثار و فداکاری را در وجود کودک تقویت می‌کند و به کودک این فرصت را می‌دهد تا با الگو گرفتن از رفتار بزرگ‌سالان، شخصیت و باورهای درونی خود را تقویت کند و با استفاده از تجربه‌هایی که آموخته است، خود را برای زندگی آینده آماده کند. از آنجایی که بازی‌های ذکر شده در سیره کودکی پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) در عصر حاضر، کاربردی و قابل اجراست، پیشنهاد می‌گردد تحقیقات ویژه‌ای پیرامون بازی‌ها و شادی‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) انجام و

بازنویسی شود و در اختیار کودکان و والدین آنها قرار گیرد تا ضمن توسعه بازی‌های سالم و معرفی اهل بیت (علیهم السلام) به کودکان، علاقه کودکان به اهل بیت (علیهم السلام) را تعمیق داد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (ترجمه دشتی)
۳. آیتی، اصغر، «فرودگاه فرشتگان»، چ ۲، قسبات، اصفهان، ۱۳۹۶.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، «من لا یحضره الفقیه»، نشر صدوق، تهران، ۱۳۶۳.
۵. ابن جوزی الحنبلی، جمال‌الدین ابو فرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، «المنتظم فی تاریخ الملوک والامم»، ج ۴، چ ۱، بیروت، ۱۳۵۸.
۶. ابن الطاووس، علی بن موسی، «الطرف»، ترجمه: داوود الهامی، چ ۲، نوید اسلام، قم، ۱۳۷۴.
۷. افلاکی فرد، حسین و نائینی داورانی، لیلا، «اثر بخشی بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر اصفهان»، علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ش ۳۹، ۱۳۹۶.
۸. امینی، ابراهیم، «اسلام و تربیت»، موسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۸.
۹. انصاری، قدرت‌الله، «احکام و حقوق کودکان در اسلام»، چ ۱، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ۱۳۹۲.
۱۰. باقری، بهراد و رایانی مخصوص، مهرداد، «اهداف تربیت در بازی‌های نمایشی»، نشره تئاتر، ش ۷۳، ۱۳۹۷.
۱۱. بهشتی، احمد، «اسلام و بازی کودکان»، چ ۱، نشر بین‌الملل، ۱۳۹۱.
۱۲. بهشتی، احمد، «اسلام و تربیت کودکان»، نشر بین‌الملل، تهران، ۱۳۹۰.

۱۳. بهشتی، سعید و منطقی، یگانه، «بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین»، فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی، دوره ۷، ش ۳، ۱۳۹۰.
۱۴. بی نام، «تأثیرات تربیتی محرم بر کودکان»، سایت الکوثر، ۳ اسفند ۱۳۹۸، fa.alkawthartv.com
۱۵. پاینده، ابوالقاسم، «نهج الفصاحه»، چ ۴، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲.
۱۶. جوهری، معصومه و سیفی کناری، فاطمه، «نقش بازی در تربیت دینی کودکان» مطالعات دین پژوهی، ش ۶، ۱۳۹۸.
۱۷. داوودی، محمد، حسین زاده، علی، «سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت»، چ ۸، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۶.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، «مفردات الفاظ القرآن»، ج ۱، چ ۱، دارالشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. ساجدی، ابوالفضل و کوشا، غلام حیدر، «روش های تربیت اجتماعی در خانواده و شاخص های آن»، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۴.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی و جعفری، بهراد (مترجم)، «الاحتجاج»، ج ۲، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.
۲۱. عبدی، فتانه، «راهکارهای شکوفایی خلاقیت»، اندیشه فاضل، تهران، ۱۳۹۵.
۲۲. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، کهنسال (مترجم)، «نهج الحق و کشف الصدق»، چ ۱، تهران، ۱۳۷۹.
۲۳. عمید، حسن، «فرهنگ فارسی عمید»، ۱۳۹۱.
۲۴. عوفی، محمد، «جوامع الحکایات و لوازم الروایات»، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، بی تا.
۲۵. فرهادیان، رضا «تربیت برتر»، چاپ ششم، موسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶.

۲۶. فلسفی، محمدتقی، «گفتار فلسفی»، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۲ ق.
۲۷. قمی، عباس، «کلیات منتهی الامال»، ج ۱، چ ۲، آدینه سبز، تهران، ۱۳۸۷.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اشتهاردی، محمد مهدی (مترجم)، «داستان‌های اصول کافی»، قطع البرهان، تهران، ۱۳۷۸.
۲۹. کشانی، مهدیه و نوروزی، رضا علی، «جایگاه و نقش بازی در تربیت دینی کودکان»، پژوهشنامه تربیت تبلیغی، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۹۴.
۳۰. مازندرانی، ابن شهر آشوب، «مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)»، ج ۳، چ ۱، انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹.
۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، «بحار الأنوار»، ج ۴۲، چ ۳، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. _____، نجفی (مترجم)، «بحارالانوار»، ج ۴۳، چ ۱، تهران، ۱۳۷۷.
۳۳. _____، «بحارالانوار الجامعة لدرراخبارالائمة الاطهار»، چ ۲، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۳۴. _____، محمودی، مترجم: عبدالزهرا علوی، «بحارالانوار»، ج ۵۳، چ ۱، بیروت، بی تا.
۳۵. مروجی طبسی، محمدجواد، «حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)»، چ ۱۸، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۱.
۳۶. ملک احمدی، علی بمان، «تاریخ پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)»، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۸۹.
۳۷. نوری، حسین بن محمدتقی، «مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل»، ج ۱۵، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۳۸. هلالی، سلیم بن قیس، «اسرار آل محمد»، قم، ۱۴۱۶ ق.